

فرهنگ سیاسی مردم مازندران

علی کریمی*، احمد رضایی*

چکیده

این مقاله، با الهام از سنخ‌شناسی سیاسی آلموند و وربا^۱ در مورد «فرهنگ سیاسی»، فرهنگ سیاسی مردم مازندران را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور، از روش پیمایش و انتخاب نمونه‌های مورد نظر مطابق روش‌های علمی استفاده شده است که نتایج تحقیق قابل تعمیم به کل استان مازندران می‌باشد. مطابق یافته‌های تحقیق که از ۳۳۱ نمونه استخراج شده است، بعد شناختی فرهنگ سیاسی مردم مازندران، در مقایسه با بعد عاطفی و داوری، قوت کمتری دارد. از منظری دیگر، یافته نشان می‌دهد که فرهنگ تبعی یا انقیادی در قیاس با فرهنگ سیاسی مشارکتی و محدود از وسعت بیشتری در مازندران برخوردار است. به علاوه، از میان فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا و منازعه‌گرا، فرهنگ سیاسی مردم مازندران گرایش بیشتری به سمت فرهنگ وفاق‌گرا در حوزه سیاست عمومی و مبانی مشروعیت نظام سیاسی نشان می‌دهد. **واژگان کلیدی:** فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی وفاق، فرهنگ سیاسی منازعه‌ای، جهت‌گیری شناختی.

مقدمه

اگرچه بحث فرهنگ و نقش آن در نظام‌های اجتماعی و سیاسی موضوعی جدید نیست، اما توجه به آن در قالب رشته علمی نوپای سیاست تطبیقی به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم

E-mail: akm10@umz.ac.ir

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

E-mail: arezaiim@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

1. Almond and Verba

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵؛ ص ۳۹-۶۱

برمی‌گردد. در این سال‌ها، فرهنگ به عنوان یک عامل کلیدی در کانون تحلیل نظریه‌های کارکردگرایی و سیستمی سیاست مقایسه‌ای قرار گرفت.

نقش فرهنگ، به طور عام، یا عناصری از آن مثل دین، به طور خاص، در شکل‌گیری نهادها و نظام‌های سیاسی و هدایت کار ویژه‌های آن‌ها و مسئله علل فرهنگی تفاوت رفتارهای سیاسی کنش‌گران از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. به اعتقاد آنان، فرهنگ از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار سیاستمداران و نهادهای سیاسی اثر می‌گذارد، به عنوان ناظم روابط اجتماعی، شکل‌دهنده نهادها و تعیین‌کننده الگوها و جهت‌دهنده رفتار جمعی نیز نقش مؤثری در زندگی سیاسی به عنوان نوعی از فعالیت‌های اجتماعی ایفا می‌کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵). حتی به‌زعم عده‌ای فرهنگ در رابطه با تکوین ساختار سیاسی معین نقش تعیین‌کنندگی ایفا می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان گفت ارزش‌ها، انگیزه‌ها و اعتقادات هر ملت نهادها و قوانین آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب پذیرش یا عدم پذیرش ساختار معینی می‌شوند.

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و به موازات گسترش مباحث سیاست تطبیقی، به‌ویژه موضوع توسعه سیاسی، تلاش چشمگیری برای نگرش به فرهنگ در بستر سیاسی صورت گرفت. در پرتو این تلاش‌ها، نظریه‌های فرهنگ سیاسی، به عنوان وسیله‌ای برای انتقال بحث از سطح تحلیل روان‌شناسانه خرد و فردی به سطح تحلیل اجتماعی و فرهنگ محور، در قلب تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌های توسعه سیاسی مورد توجه واقع شد (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۲۳) به عبارت دیگر، نظریه‌های فرهنگ سیاسی مفهوم‌بندی‌های خویش را پاسخی به نیاز به رفع شکاف رو به رشدی می‌دانند که در رویکرد رفتاری به علم سیاست میان سطح تحلیل خرد مبتنی بر تفاسیر روان‌شناختی از رفتار سیاسی فرد و سطح تحلیل کلان مبتنی بر متغیرهای رایج در جامعه‌شناسی سیاسی بروز کرده است (همان: ۳۴۴).

گابریل آلموند نخستین اندیشمندی است که در سال ۱۹۵۶ م طی تلاش اولیه‌ای که برای طبقه‌بندی و مقایسه نظام‌های سیاسی صورت داد، مفهوم «فرهنگ سیاسی» را در ادبیات توسعه سیاسی وارد کرد. سپس وی و وریا در کتاب *فرهنگ مدنی* مفهوم‌بندی خود را از فرهنگ سیاسی منقح‌تر ساختند و از آن برای بررسی و بازپرسش تجربی ایستارهای موجود در پنج کشور بهره گرفتند. بعدها، علاوه بر وریا و همکارانش، افرادی مانند رونالد اینگلهارت، ساموئل بارنز، ابرت پوتنام و غیره، با انجام دادن مطالعات آزمایشی تطبیقی^۱ بحث مشارکت سیاسی توده‌ها و ارتباط آن با گروه‌های نخبه و فرهنگ سیاسی توده‌ها در جوامع پیشرفته صنعتی را مورد توجه

1. comparative survey research

قرار دادند (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۴۸۲-۴۸۳). در این مطالعات، آنان تلاش کردند تا جنبه‌هایی از فرهنگ را که ذاتاً سیاسی هستند، و به‌ویژه طریقه‌ای که در آن اعضای یک جامعه روابط سیاسی را تصور یا درک می‌کنند تشخیص دهند.

این دسته از صاحب‌نظران معتقد بودند که علت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی سیاسی عملکرد نهادهای سیاسی و ریشه‌های آن را می‌توان با استفاده از مقوله فرهنگ سیاسی توضیح داد. مفهوم فرهنگ سیاسی در این رهیافت بر مفروضات زیر مبتنی است:

۱- در هر جامعه فرهنگ سیاسی معین به فرایندهای سیاسی آن جامعه معنا و جهت می‌دهد.

۲- رفتار سیاسی در جامعه از یک سلسله باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها ریشه می‌گیرد.

۳- این باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها، بنابر الگو و انگاره خاصی، تحول می‌یابند نه

برحسب اتفاق.

۴- فرد این باورها، احساسات و ارزش‌ها را درونی می‌کند و اینها به صورت جزئی از

شخصیت افراد و منشأ رفتار آنها درمی‌آید (سهراب رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۰۰-۲۰۱).

مفهوم فرهنگ سیاسی و ابعاد آن

مفهوم «فرهنگ سیاسی» برخلاف بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی که فاقد معنای واضح و دارای مدلول‌های متعددند، دچار پراکندگی معنایی عمیق و جدی نیست، بلکه معنا و مدلول نسبتاً واحد آن در عبارات متفاوت انعکاس یافته است. لذا با اجتناب از تطویل بحث به چند تعریف بسنده می‌کنیم. آستین رنی در تعریف «فرهنگ سیاسی» و اجزای آن چنین آورده است: مراد ما از «فرهنگ سیاسی» یک ملت مجموعه‌ای از شیوه‌های تفکر درباره سیاست و حکومت است که میان بخش عظیمی از افراد مشترک باشد، یا «فرهنگ سیاسی» که انگاره جهت‌گیری نسبت به موضوع‌های سیاسی است، محیطی فراهم می‌آورد که تعارض سیاسی در چهارچوب آن انجام می‌شود و خط‌مشی درستی در محدوده آن پدید می‌آید.

به نظر او «فرهنگ سیاسی» دو جزء اصلی دارد: جهت‌گیری‌های شناختی، یعنی اطلاع و آگاهی از موضوعات موجود در جهان سیاست که ممکن است میزان آن بالا یا پایین باشد، و جهت‌گیری‌های عاطفی، یعنی احساسات و هیجانات مربوط به این موضوعات. او معتقد است که ترجیحات سیاسی نیز جزئی از «فرهنگ سیاسی» هر ملتی به شمار می‌روند. چون بدیهی است که مردم نه تنها معتقدند بعضی چیزها در زمینه سیاست و دولت حقیقت دارد، بلکه از برخی چیزها خوششان و از برخی بدشان می‌آید، برای برخی امور امتیاز و اولویت قائلند و بعضی دیگر از مسایل برای آنان اهمیت کمتری دارد، زیرا ارزش‌های آن‌ها متفاوت است.

وجود مختصات عام و مشترک ملی، مانند میهن پرستی، اعتماد به مردم، اعتماد به نهادها؛ اثرگذاری سیاسی، یعنی اعتقاد به اینکه اعمال و دیدگاه‌های سیاسی فرد می‌تواند در روند سیاسی اثر بگذارد؛ احساس تعهد شهروندان، یعنی آنچه افراد فکر می‌کنند که به دولت مدیونند، مثل تعهد وفاداری یا میهن پرستی؛ اطاعت از قانون، مقدم داشتن رفاه و امنیت کشور و دولت خود بر امنیت و رفاه هر کشور و دولت دیگری از اجزا و شاخص‌های «فرهنگ سیاسی» به شمار می‌روند (رنی، ۱۳۷۴: ۹۲-۹۸).

آلن بال «فرهنگ سیاسی» را ترکیبی از امتیازها و ترجیحات، اعتقادات، شور و احساس و ارزش‌های جامعه معرفی می‌کند که با نظام سیاسی و مسائل سیاسی ارتباطی دارد (بال، ۱۹۷۱: ۵۶). پالمر و اشترن در بیانی مشابه، «فرهنگ سیاسی» را کوشش دانشمندان سیاسی برای تشخیص جنبه‌های فرهنگی که ذاتاً سیاسی هستند، و به‌ویژه طریقه‌ای که در آن اعضای یک جامعه روابط سیاسی را تصور یا درک می‌کنند تعریف نموده‌اند (پالمر و اشترن، ۱۳۶۷: ۱۰۱). رابرتسون با بیانی مشابه معتقد است که «فرهنگ سیاسی» عبارت است از انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی (رابرتسون، ۱۹۹۳: ۳۲۸).

همان‌گونه که گفته شد، آلموند، پاول، وربا و پای از مبرزترین متفکرانی هستند که درباره «فرهنگ سیاسی» به اظهار نظر پرداخته‌اند. از نظر آلموند و پاول، «فرهنگ سیاسی» عبارت است از الگوی ایستارها و سمت‌گیری‌های فردی اعضای یک نظام سیاسی در قبال سیاست، و نیز قلمرویی ذهنی که شالوده‌ساز و معنابخش کنش‌های سیاسی می‌باشد (آلموند و پاول، ۱۹۶۶: ۵۰).

پای نیز «فرهنگ سیاسی» را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ سیاسی» نوعی قلمرو ذهنی نظم یافته برای سیاست ارائه می‌کند که می‌توان آن را در دو سطح سراغ گرفت. «فرهنگ سیاسی» به فرد همان راهنماهای کنترل‌کننده‌ای را که برای رفتار سیاسی مؤثر لازم است می‌بخشد و در اختیار جمع نیز نوعی ساختار سیستماتیک از ارزش‌ها و ملاحظات عقلانی را قرار می‌دهد که انسجام عملکرد نهادها و سازمان‌ها را تضمین می‌نماید (پای و وربا، ۱۹۶۵: ۷).

سیدنی وربا نیز بر این نظر بود که «فرهنگ سیاسی» از منظومه‌ای از باورهای تجربی، نمادهای گویا و ارزش‌هایی تشکیل یافته است که بستر تحقق کنش سیاسی را مشخص می‌سازند. به نظر آن دو، «فرهنگ سیاسی» سلسله‌ای از عقاید، سمبل‌ها و ارزش‌هاست که وضعیتی را که عمل سیاسی در قالب آن رخ می‌دهد، تعریف می‌کند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۵۱۳). به بیان دیگر، «فرهنگ سیاسی» از نظر آنان شامل نگرش حاکمان به مردم و نگرش مردم

به حاکمان و نوع برداشتی که از نظام سیاسی و مفاهیم رایج اجتماعی و سیاسی دارند، به عنوان ناظم روابط سیاسی و شکل‌دهنده نظام سیاسی می‌شود (همان: ۵۱۸).

در مجموع، می‌توان گفت که اصطلاح «فرهنگ سیاسی» به موضع‌گیری‌های خاص سیاسی، دانش، بینش و گرایش‌ها نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آن و گرایش‌ها نسبت به نقش خویش در نظام سیاسی اشاره می‌کند. زمانی که از «فرهنگ سیاسی» یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام سیاسی‌ای اشاره می‌کنیم که در شناخت‌ها، احساس‌ها و ارزیابی مردمش درونی شده است (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۳ و ۱۴).

آلموند در ارزیابی سطح «فرهنگ سیاسی» جامعه‌ای معین ۴ ضابطه را یادآور شده است:
الف) فرد چه دانشی درباره ملت، نظام سیاسی‌اش، تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟

ب) از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی که در جریان رو به بالای خط‌مشی‌سازی و تصمیم‌گیری وجود دارد چه دانشی دارد؟ احساسات و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران، و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟

پ) درباره جریان رو به پایین اجرای خط‌مشی، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارد؟

ت) چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه دانشی دارد؟
(همان).

آلموند در اثر دیگر خود به سه سطح «فرهنگ سیاسی»، که عبارتند از تمایلات سیستمی، فرایندی و سیاست‌گذاری، به شرح زیر اشاره می‌کند. تمایلات سیستمی، در نقشه «فرهنگ سیاسی» یک ملت، تشریح ایستارهایی است که شهروندان در قبال سه سطح نظام سیاسی، یعنی نظام، فرآیند و سیاست‌گذاری دارند. در سطح سیستم، به دیدگاه شهروندان و رهبران در مورد ارزش‌ها و سازمان‌های قوام‌بخش نظام سیاسی به‌ویژه مسئله مشروعیت سیاسی علاقه‌مندیم. نحوه انتخاب رهبران و اطاعت شهروندان از قوانین چگونه است و چگونه باید باشد؟ در تمایلات فرایندی، به تمایلات افراد برای درگیر شدن در فرایند، یعنی طرح تقاضا، اطاعت از قوانین، حمایت از برخی گروه‌ها و مخالفت با برخی دیگر و اشکال مختلف مشارکت علاقه‌مندیم. در سطح تمایلات سیاست‌گذاری، می‌خواهیم بدانیم که شهروندان و رهبران انتظار

چه سیاست‌هایی را از حکومت دارند، چه اهدافی قرار است تعیین شود و چگونه باید به آن‌ها دست یافت؟ (آلموند: ۷۱-۷۲).

بنابراین، می‌توان گفت که «فرهنگ سیاسی» به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی مجموعه‌ای از نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های یک ملت نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و قدرت سیاسی است که در تطور تاریخی و در ارتباط با رویدادهای مختلفی که در درون جامعه رخ می‌دهد شکل می‌گیرد، و نوع و میزان رابطه مردم با سیاست و قدرت فائده را تعیین می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۴). به بیان دیگر، «فرهنگ سیاسی» بیانگر بینش و نگرش افراد یک جامعه به رویدادهای سیاسی است و جهت‌گیری‌های سیاسی مردم را مشخص می‌کند (مشایخی، ۱۳۷۹: ۱۵).

بشیریه «فرهنگ سیاسی» را مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی تعریف می‌کند که به زندگی سیاسی شکل می‌دهد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵۹). به نظر او، انواع «فرهنگ سیاسی» بر اساس دو محور قابل تشخیص است: یکی، بر اساس محور نوع جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی که عبارتند از: نگرش ادراکی، ارزشی و احساسی. دوم، بر اساس محور موضوع جهت‌گیری‌ها که عبارتند از: اشخاص حاکم، سیاست‌های حکومتی و ساختارهای حکومتی (همان: ۱۶۲).

به دیگر سخن، می‌توان گفت جهت‌گیری افراد شامل سه جزء است: ۱- جهت‌گیری شناختی به معنای اطلاع، اعم از دقیق یا غیردقیق از نظام سیاسی. ۲- جهت‌گیری‌های نفسانی یا عاطفی، به معنای احساس وابستگی، دخالت، طرد و امثال آن راجع به موضوعات سیاسی. ۳- جهت‌گیری‌های ارزشی، به معنای قضاوت راجع به موضوعات سیاسی.

این سه حوزه در ارتباط با موارد زیر قرار می‌گیرند:

- ۱- کل نظام سیاسی، شامل توسعه تاریخی، ابعاد، قدرت و ویژگی‌های قانونی آن؛
- ۲- شیوه‌های درون‌داد، یعنی نیروهای مؤثر بر تصمیم‌گیری، از قبیل احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و رسانه‌های گروهی؛
- ۳- فرایندهای برون‌داد، یعنی کار شعب قانون‌گذاری، مجریه و قضائیه (همان: ۱۱۸).

گونه‌های فرهنگ سیاسی

اندیشمندانی که به تعریف «فرهنگ سیاسی» اقدام کردند، همزمان با رویکرد نوع آرمانی^۱ به گونه‌شناسی آن نیز توجه کرده‌اند. بدین معنی که لزوماً الگوها و انواع مطرح شده از سوی آن‌ها در

1. ideal type

عالم واقع مابه‌ازای خارجی ندارد، بلکه چه‌بسا نمونه‌های واقعی و خارجی با الگوی ذهنی و آرمانی فاصله قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد، و در واقع انواع ترکیبی از فرهنگ‌های سیاسی قابل درک می‌باشد. در این بخش، با الهام از الگوی نوع آرمانی آلموند و وربا، به بیان اقسام فرهنگ‌های سیاسی می‌پردازیم. آلموند و وربا براساس شاخص‌های «فرهنگ سیاسی» کوشیدند ۳ نوع ایده‌آل آن را تجسم نمایند: محدود^۱، انقیادی یا منفعلانه^۲ و مشارکتی یا فعالانه^۳.

در فرهنگ سیاسی محدود یا بسته، مشابه الگوی جوامع سنتی، فرد نه به طور مستقیم از عملیات و یا خط‌مشی‌های سیاسی نظام سیاسی ملی آگاه است و نه خود را عضوی از یک ملت یا نظام سیاسی می‌داند. افق فکری فرد به قبیله یا دهکده‌اش محدود است. در این فرهنگ، انتظارات و توقعات مردم از حکومت بسیار اندک است. جهت‌گیری‌های افراد نسبت به هدف‌های سیاسی فوق‌العاده ضعیف است و مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند. افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیمات ملی احساس وابستگی می‌کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند. برای اینان طرح موضوعاتی مانند منافع، اهداف، امنیت و توسعه ملی محلی از اعراب ندارد. بیسوادان، روستاییان ساکن مناطق دورافتاده، پیرزنانی که از حق رأی خود استفاده نمی‌کنند و تقریباً به‌طور کامل درگیر خانواده و جوامع محلی خویشند در این دسته جای می‌گیرند.

در فرهنگ سیاسی تبعی، تبعه از اقتدار تخصصی حکومت آگاه است، او به شدت تحت تأثیر آن است، شاید نسبت به آن احساس غرور هم می‌کند و آن را نیز به صورت مشروع یا نامشروع ارزیابی می‌کند، اما رابطه در سطحی کلی متوجه نظام است و متوجه باز داده، جنبه اداری و یا جریان رو به پایین نظام سیاسی است و اساساً رابطه‌ای انفعالی است (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۵-۱۷). به دیگر سخن، در فرهنگ سیاسی انقیادی آگاهی سیاسی و ملی وجود دارد، اما مردم به دلیل ترس یا احترام و یا ضعف ساختارهای طرف نهاده از حکومت بی‌چون و چرا و منفعلانه اطاعت می‌کنند. یعنی آنان در جریان رو به بالای فرآیند سیاسی نقشی از خود بروز نمی‌دهند. این فرهنگ با نظام‌های سنتی که با درجه‌ای از انفکاک ساختاری همراه هستند سازگار است (نقیب‌زاده: ۲۸-۲۹).

در فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای اجتماع در صددند که صریحاً به سوی نظام به عنوان کل و به سوی ساخت‌های سیاسی و اداری و روندها گرایش پیدا کنند. افراد در این گونه فرهنگ‌ها فعالانه در کارهای نظام درگیر می‌شوند. زیرکانه از نفوذ نظام در زندگی خود آگاهند و

1. parochial
3. participatory

2. subject

سعی می‌کنند که در خط‌مشی‌سازی و طراحی که در آن به کار برده می‌شوند نفوذ کنند (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۸). به عبارت دیگر، در فرهنگ سیاسی مشارکتی، مشارکت‌جویان از مسائل سیاسی آگاهند و می‌توانند از طریق طرح عملی تقاضاهای سیاسی و یا در اختیار قرار دادن حمایت سیاسی خود از رهبران سیاسی، در جریان رو به بالای تصمیم‌گیری سیاسی مؤثر باشند و در هر دو سوی فرایند سیاسی یعنی طرف داده و نهاده به طور توأمان ایفای نقش نمایند.

گونه‌شناسی دیگری از فرهنگ‌های سیاسی

فرهنگ‌های سیاسی از منظر دیگر و بر مبنای نوع دیدگاه مردم و نخبگان سیاسی به مسائل بنیادین و موضوعات روزمره سیاسی و میزان وفاق و اجماع نظر بین آن‌ها درباره موضوعات مهم و سیاست عمومی و نحوه حل آن‌ها نیز تقسیم‌بندی شده است. از این زاویه، ممکن است فرهنگ‌های سیاسی در قبال موضوعات مربوط به سیاست عمومی و از لحاظ دیدگاهی که در مورد ترتیبات مشروع حکومتی و سیاسی دارند به دو دسته «وفاق‌گرا» یا «منازعه‌گرا» تقسیم شوند. در فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا^۱، شهروندان معمولاً در مورد شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری سیاسی و اینکه مسائل اصلی و بنیادین جامعه چیست و ترتیبات حل و فصل آن‌ها چگونه باید باشد با هم هم‌نظرند. برعکس، در فرهنگ‌های سیاسی منازعه‌گرا^۲ شهروندان از لحاظ نظراتی که در مورد اساسی‌ترین مسئله رژیم‌های سیاسی یعنی مسئله مشروعیت و راه‌حل مشکلات اصلی دارند به شدت دچار اختلاف نظر و چنددستگی هستند. بدیهی است وقتی مردم کشوری از لحاظ ارزش‌های سیاسی دچار شکاف عمیق شوند، دستیابی به ثبات عمومی و همگرایی اجتماعی و سیاسی در جامعه با دشواری صورت خواهد پذیرفت (آلموند، ۱۹۶۳: ۷۷).

از نظر آلموند، توزیع منازعه‌آمیزتر تمایلات سیاست‌گذارانه یا حتی وجود خرده‌فرهنگ‌های سیاسی شدیداً جدا از هم نمایانگر امکان بروز مشکلاتی در حل اختلاف بر سر سیاست‌هاست. اگر این اختلافات به استواری در شخصیت سیاسی بسیاری از افراد جاگیر شده باشد ممکن است رفع آن‌ها دشوار باشد. از سوی دیگر، وجود احساس نیرومند و مشترکی دایر بر مشروع بودن رژیم سیاسی ممکن است نظام سیاسی را در دوران‌های دشوار پایدار نگه دارد و به رهبران کمک کند تا آسان‌تر بر چنددستگی‌ها فائق آیند (همان: ۸۰).

البته، ترسیم خطوط تمایزبخش بین فرهنگ‌های سیاسی به معنی ثبات دائمی و تغییرناپذیری فرهنگ‌های سیاسی نیست، بلکه تحولات مختلف مانند صنعتی شدن، نوسازی، ظهور رسانه‌های ارتباطی نوین و غیره موجب بروز دگرذیسی‌ها و تغییرات گوناگون در فرهنگ

1. consensual political culture

2. consensual political culture

سیاسی کشورهای مختلف می‌شود. فرهنگ سیاسی پدیده‌ای پویا و تغییرپذیر است. نه تنها قرار گرفتن شهروندان در معرض تجربیات جدید، بلکه تغییر تدریجی نسل‌ها نیز بدان معنی است که چون گروه‌های جدیدی از شهروندان تجارب متفاوتی را مبنای عمل قرار می‌دهند و ارزش‌های متفاوتی را پذیرا می‌شوند، فرهنگ سیاسی پیوسته در حال تغییر، تبدیل و تعدیل است.

ادبیات موضوع

اگرچه ادبیات و پیشینه پژوهشی موضوع فرهنگ سیاسی در زبان انگلیسی بسیار غنی و نسبتاً قدیمی است، اما این موضوع در زبان فارسی ادبیات قوی و پرپیشینه‌ای ندارد. به منظور شناسایی ادبیات موضوع، جستجوی نسبتاً کاملی در بانک‌های اطلاعاتی موجود در کشور صورت گرفت. در موضوع مستقیم مقاله، یعنی فرهنگ سیاسی مردم مازندران، هیچ منبع مستقل، اعم از کتاب، مقاله، سمینار یا طرح پژوهشی انجام نشده و گزارشی از آن در بانک‌های اطلاعاتی موجود نبوده است. از این نظر این مقاله کار پژوهشی اصیل، بی‌سابقه و بدیع به شمار می‌رود که می‌تواند دستمایه تحقیقات بعدی واقع شود، اما، به صورت عام، در موضوع فرهنگ سیاسی ایران‌کارهای متعددی، اعم از مقاله و کتاب، به رشته تحریر درآمده است که ذیلاً به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

در بخش کتاب، می‌توان به کتب زیر اشاره کرد: گراهام فولر در کتاب *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران (۱۳۷۳)* در فصل اول با نگاهی بدبینانه به احصا و بیان مختصات فرهنگ سیاسی ایرانیان پرداخته است. کتاب وی اگرچه بر هیچ‌گونه کار میدانی و اصیل پژوهشی مبتنی نیست، اما طی سالیان اخیر به عنوان یک منبع مهم مورد توجه محققان ایران‌پژوه قرار گرفته است. کتاب *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹)* کار مشترک سمیع فارسون و مهرداد مشایخی، نیز با رویکردی تاریخی و تحلیلی به بیان ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران می‌پردازد.

کتاب دیگری با عنوان *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر (۱۳۷۶)* نوشته دکتر علی‌اصغر کاظمی نیز در صدد است تا ضمن تبیین شناسه‌های فرهنگ سیاسی ایران، چگونگی و عوامل مؤثر در تکوین آن را با رویکردی تحلیلی و تاریخی مورد شناسایی قرار دهد. این اثر از کارهایی است که در سال‌های اخیر در مورد فرهنگ سیاسی ایران انجام شده و به نظر می‌رسد گامی آغازین در گشایش باب مباحثه پیرامون این موضوع باشد.

اختصاص یک شماره از مجله *نقد و نظر* (شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵) با عنوان ویژه‌نامه از دیگر منابع این موضوع به شمار می‌رود. این شماره متضمن گفتگو و مقالاتی است که ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده است. چنان‌که از مضمون

- این کتاب‌ها برمی‌آید، این منابع اشاره‌ای به فرهنگ سیاسی مردم مازندران ندارند و فرهنگ سیاسی ایران را نیز بدون استناد به دهه‌های میدانی مورد بررسی قرار داده‌اند.
- جستجوی منابع کتاب‌شناختی موضوع نشان می‌دهد که فقط یک طرح پژوهشی در مورد فرهنگ سیاسی ایران انجام شده است. آقای دکتر محمود سریع‌القلم در سال ۱۳۷۶ یک طرح پژوهی با عنوان «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی-اجتماعی در ایران» برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های بنیادی انجام داده‌اند. غیر از آن هیچ طرحی که مبین فرهنگ سیاسی ایران و یا فرهنگ سیاسی مردم مازندران باشد انجام نشده است.
- علاوه بر کتاب‌ها و یک طرح پژوهشی، تعدادی پایان‌نامه در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های کشور نوشته شده است که فهرست آن‌ها در زیر می‌آید:
- ۱- «فرهنگ سیاسی تشیع و سازوکار جامعه‌پذیری سیاسی آن»، نوشته یونس کجوری گشینانی، به راهنمایی محمد غفوری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
 - ۲- «تحول فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، نوشته محمدرضا شریف، به راهنمایی حجت‌الله ایوبی، دانشگاه امام صادق (ع)، مقطع کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸.
 - ۳- «بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران»، نوشته احمد احسانی، به راهنمایی حمید احمدی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، مقطع کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸.
 - ۴- «موانع گفتگو و مدارا در فرهنگ سیاسی ایران معاصر»، نوشته راضیه برمک، به راهنمایی احمد موثقی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
 - ۵- «تأثیر ساختار سیاسی حکومت رضاشاه در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مردم ایران»، نوشته فریدون شیرین کام چوری، به راهنمایی حاتم قادری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
 - ۶- «توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران»، نوشته قاسم خرمی، به راهنمایی علیرضا ازغندی، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
 - ۷- «فرهنگ سیاسی شیعه و تأثیر آن بر رفتار سیاسی مردم ایران از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷»، نوشته یدالله هنری لطیف‌پور، به راهنمایی سید رحیم ابوالحسنی، مقطعی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 - ۸- «فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷»، نوشته مجید ملکان، به راهنمایی کاووس سید امامی، مقطع کارشناسی ارشد

دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶.

- ۹- «پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران»، نوشته دال سیونگ یو، به راهنمایی حسین بشیریه، مقطع دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۰- «علل نفوذپذیری فرهنگ سیاسی ایران از غرب در دوران انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، نوشته نورالله قیصری، به راهنمایی سیدحسین سیف‌زاده، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.
- ۱۱- «تأثیر ساختار نظام سیاسی بر فرهنگ سیاسی مردم ایران با تأکید بر ۱۳۳۲-۱۳۵۷»، نوشته سید احمد میری، به راهنمایی علیرضا ازغندی، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.
- چنان‌که عناوین و نیز محتوای آثار فوق نشان می‌دهد، موضوع این مقاله مورد توجه نویسندگان نبوده است و همچنان که گفته شد این مقاله اولین کار اصیل و میدانی در نوع خود به‌شمار می‌رود.

روش‌شناسی

به منظور بررسی فرهنگ سیاسی مردم مازندران از روش پیمایشی استفاده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات براساس تئوری‌های موجود پرسشنامه‌ای ساخته و پس از آزمون مقدماتی^۱ پرسشنامه استاندارد شده به روش مصاحبه با مراجعه به درب منازل افراد نمونه مطالب گردآوری شد. باتوجه به جمعیت بزرگسالان استان که حدود ۲/۹۰۰/۰۰۰ هزار نفر و جمعیت شهری آن حدود ۱/۵ میلیون نفر می‌باشد، با میزان خطای ۵ درصد (حداکثر) و سطح معنی‌داری ۹۵ درصد، با توجه به دو بخشی بودن جامعه، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (رفیع‌پور، ۱۳۷۳: ۳۴۳) ۳۸۴ نفر برآورد شد.

برای نمونه‌برداری باتوجه به اینکه استان دارای ۱۶ شهرستان (نوشهر، چالوس، تنکابن، رامسر، آمل، بابل، ساری، بهشهر، نکا، گلوگاه، سوادکوه، نور، محمودآباد، جویبار و بابلسر) می‌باشد، در مرحله اول با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی^۲ شهرهای رامسر، آمل، بهشهر، بابلسر و سوادکوه در نمونه قرار گرفتند. از شهرستان سوادکوه که دارای شهرهای متعدد می‌باشد، شهر پل سفید به صورت تصادفی در نظر گرفته شد.

در مرحله دوم، با استفاده از جمعیت شهری نمونه، به عنوان صفت کمکی، نمونه‌ها برآورده شده متناسب با حجم بین شهرها تقسیم‌بندی شد، که شهر رامسر با ۳۳ نمونه، آمل ۲۰۸ نمونه، بهشهر ۹۳ نمونه، پل سفید ۹ نمونه و ۴۱ نفر از نمونه‌ها از شهر بابلسر انتخاب شدند.

1. pretest

2. random sampling

در مرحله سوم، برای تصادفی بودن نمونه‌ها، بلوک‌های ساختمانی به عنوان صفت کمکی به کار گرفته شد و با مراجعه به منازل که در نمونه قرار گرفته بودند، یکی از افراد بزرگسال خانواده (پدر، مادر، دختر یا پسر) که سنین آن‌ها بالای ۱۶ سال باشد) مورد مصاحبه قرار گرفته و پرسشگر شخصاً جواب‌های پاسخگویان را وارد پرسشنامه می‌نمود.

یافته‌های تحقیق

پس از گردآوری اطلاعات از مجموعه ۳۸۴ پرسشنامه تکمیل شده، با استفاده از سؤالات کنترل تعدادی از پرسشنامه‌ها باطل (۳۲ پرسشنامه) و تعدادی از آن‌ها که نیمه‌کاره رها شده بود و برخی پاسخگویان پرسشگران با روشن شدن اینکه قرار است راجع به فرهنگ سیاسی آنان پرسش شود، پس از جواب دادن به چند سؤال اولیه از ادامه مصاحبه امتناع کرده و نهایتاً پرسشنامه نیمه‌کاره باقی ماند. در مجموعه، نتایج این تحقیق با استفاده از نتایج ۳۳۱ پرسشنامه معتبر به دست آمده است. در مراجعه به نمونه‌ها به دلیل فصل گرما و کوچ برخی خانواده‌ها به مناطق ییلاقی استان، بناگزی از نمونه‌های جایگزین که خانه‌های سمت چپ یا راست نمونه بود استفاده شد.

ویژگی آماری نمونه‌ها

از جمعیت مورد پرسش ۱۴۷ نفر زن (۴۴/۴ درصد) و ۱۸۴ نفر مرد (۵۵/۶ درصد) بودند، که از آن‌ها ۱۰۱ نفر مجرد (۳۰/۵ درصد) و ۲۲۳ نفر متأهل (۶۷/۴ درصد) و هفت نفر (۱/۸ درصد) وضعیت ازدواج خود را اعلام نکردند که ممکن است ناشی از خطای پرسشگری و یا به دلیل مطلقه بودن یا از دست دادن همسر بوده باشد.

۱- اشتغال

جدول ذیل وضعیت اشتغال پاسخگویان تحقیق را روشن می‌کند.

جدول ۱. وضعیت اشتغال پاسخگویان

درصد	تعداد	شغل
۴۱۶/۹	۵۶	خانه‌دار
۱۴/۸	۴۹	دانشجو و دانش آموز
۲۸/۴	۹۴	کارمند و بازنشسته
۲۸/۱	۹۳	آزاد
۱۱/۸	۳۹	بی‌جواب یا عدم اعلام
۱۰۰	۳۳۱	جمع کل

عدم اعلام شغل به علت ماهیت تحقیق می باشد که برخی از پاسخگویان را به کتمان شغل خود وادار نموده است.

۲- سن

جدول ذیل وضعیت سنی پاسخگویان را نشان می دهد. همان طور که از محتوای جدول برمی آید، فقط دو نفر حاضر نبوده اند سن خود را اعلام کنند، که خود تأییدی بر این مطلب است که سؤال های خنثی با جواب بیشتری روبرو می شده اند.

جدول ۲. سن پاسخگویان

درصد	تعداد	گروه سنی
۲۴/۵	۸۱	۱۵-۲۴
۳۶/۳	۱۲۰	۲۵-۳۴
۲۶/۹	۸۹	۳۵-۴۴
۸/۵	۲۸	۴۵-۵۵
۳/۳	۱۱	۵۵+
۰/۶	۲	بدون جواب
۱۰۰	۳۳۱	جمع کل

سن به صورت منفرد پرسیده شده بود که در آزمون های آماری سطح سنجش ترتیبی حفظ شد، ولی برای گزارش توصیفی طبقه بندی انجام گرفته است. وجود حدود ۸۸ درصد پاسخگویان با سن کمتر از ۴۵ سال نشان از تطبیق نمونه گیری با هرم سنی جامعه می باشد.

۳- سواد

پاسخگویان در پاسخ به سؤال «چند کلاس سواد دارید؟» اطلاعات ذیل را اعلام کردند، که طبقه بندی شده میزان آن به شرح جدول شماره ۳ می باشد.

جدول ۳. میزان سواد پاسخگویان

درصد	فراوانی	میزان سواد
۴/۸	۱۶	بی سواد و بدون پاسخ
۵/۷	۱۹	تا پنجم ابتدایی
۷/۹	۲۶	تا سوم راهنمایی
۳۸/۱	۱۲۶	تا دیپلم
۳۷/۲	۱۲۳	فوق دیپلم و لیسانس و دانشجویان
۶/۳	۲۱	کارشناس ارشد و دکتری و پزشک
۱۰۰	۳۳۱	جمع کل

۴- درآمد

در جواب سؤال «میزان درآمد ماهیانه شما چند هزار تومان است؟»، ۱۸۰ نفر (۵۴/۳ درصد) از پاسخگویان از دادن جواب امتناع کردند و یا درآمد خود را صفر ریال اعلام کردند. عدم اعلام درآمد از سوی پاسخگویان خانه دار توجیهی منطقی دارد، ولی به نظر می رسد عدم اعلام آن از طرف حدود یک سوم از پاسخگویان کل بدین دلیل باشد که آن را جزو مسائل شخصی می دانند و اعلام آن را ضروری نمی یابند. در این خصوص، از حدود ۴۵ درصد پاسخگویان (۱۵۱ نفر)، ده نفر (۳ درصد) درآمد خود را کمتر از صد هزار تومان، و ۲۷ نفر (۸/۲ درصد) درآمد خود را کمتر از دویست هزار تومان و ۵۳ نفر (۱۶ درصد) میزان درآمد ماهیانه خود را کمتر از سیصد هزار تومان اعلام کرده اند.

۳۶ نفر از پاسخگویان (۱۰/۹ درصد) درآمد خود را کمتر از چهارصد هزار تومان اعلام داشته اند و در نهایت ۲۵ نفر (۷/۶ درصد) درآمد خود را پانصد هزار تومان به بالا اعلام داشته اند.

فرهنگ سیاسی مازندران

برای سنجش فرهنگ سیاسی مردم مازندران، سنخ شناسی دوگانه آلموند و وربا مورد استفاده گرفت. قبل از پرداختن به این تیپولوژی لازم است اشاره شود که با استفاده از آلفای کرونباخ گویه هایی که با سایر گویه ها همخوانی نداشتند و یا به کارگیری آنها باعث کاهش شدید این متغیر آماری می شد و مقدار آن را از ۰/۵ کمتر می کرد حذف شدند.

گویه هایی که با سایر سؤالات همخوانی نداشتند عبارتند از گویه شماره ۲ (آنهایی که وارد سیاست شده اند در مقایسه با سایر افراد جامعه زندگی بهتری دارند) و شماره ۲۰ (مهم ترین

اولویت سیاسی فعلی جامعه ایران کدام است؟) و شماره ۲۱ (به نظر شما مهم‌ترین اولویت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر کدامند؟) و شماره ۲۵ (در موقع بروز اختلافات با رقبای سیاسی خود کدام شوییه را در اولویت قرار می‌دهید) و شماره ۲۶ (به نظر شما در شرایط فعلی از کدام راه‌حل‌های یادشده بیشتر استفاده می‌شود) حذف و نتایج آن به شرح زیر حاصل شد:

الف) سنخ‌شناسی اول

همان‌گونه که در بحث چارچوب مفهومی اشاره شد، فرهنگ سیاسی از یک منظر در سه قالب شناختی، احساسی یا عاطفی و داوری نسبت به سیاست عمومی و نظام سیاسی قابل طبقه‌بندی است.

۱- بعد شناختی فرهنگ سیاسی

گویه‌های شماره ۹ (قانون اساسی چند اصل دارد)، شماره ۱۶ (چند گروه سیاسی می‌شناسید)، شماره ۱۷ (افراد و شخصیت‌های سیاسی زیر را می‌شناسید و دارای چه پستی هستید) برای ارزیابی میزان شناخت مردم جامعه از احزاب و افراد سیاسی جامعه انتخاب شده بودند. گویه شماره ۹ به دلیل اینکه تعداد بسیار قلیلی (۳۷ نفر) به آن جواب صحیح داده بودند حذف شدند و نتایج دو گویه باقیمانده به شرح زیر است.

جدول ۴. در بحث میزان شناخت از افراد و احزاب سیاسی

گویه شماره ۱۷			گویه شماره ۱۶		
درصد	فراوانی	تعداد جواب صحیح	درصد	فراوانی	تعداد گروه‌هایی را که می‌شناسد
۳۲/۳	۱۰۷	هیچ کدام را نمی‌شناسد	۶۳/۳	۲۰۹	هیچ گروهی را نمی‌شناسد
۳۹/۳	۱۳۰	تا سه نفر	۳۱/۵	۱۰۴	تا سه گروه را نام بردند
۲۲	۷۳	تا هفت نفر	۵/۱	۱۷	چهار و بیشتر
۶/۳	۲۱	بیش از هفت نفر			
۹۹/۹	۳۳۱		۹۹/۹	۳۳۰	جمع

گویه شماره ۱۶ نشان می‌دهد که حدود ۶۳ درصد مورد بررسی شناختی از گروه‌های سیاسی ندارند، به تعبیری حدود دو سوم جامعه فاقد آگاهی و شناخت سیاسی مطلوب و مورد انتظار

هستند؛ گویه دومی آن دسته از افرادی که فاقد حداقل آگاهی می‌باشند حدود ۳۲ درصد می‌باشند با توجه به اینکه ۶ نفر از افرادی که مورد پرسش قرار گرفته بودند، شخصیت‌های ایرانی که کاملاً مطرح می‌باشند و انتظار می‌رود که افرادی که آگاهی سیاسی نسبی دارند آن‌ها را بشناسند، این گویه نیز نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد مردم فاقد آگاهی‌های سیاسی مورد نظر این تیپ می‌باشند.

۲- بعد احساسی-عاطفی فرهنگ سیاسی

دومین جنبه از فرهنگ سیاسی می‌باشد که گویه‌های شماره ۸ (اگر روزی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار گیرد تا چه اندازه حاضرید به دفاع از آن بپردازید) و شماره ۱۲ (از مطالعه کتاب‌ها و نشریات سیاسی لذت می‌برم و گویه شماره ۱۸ (من معمولاً در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و روز قدس شرکت می‌کنم) برای سنجش آن مطرح گردید.

جدول ۵. دفاع از نظام در مقابل بیگانگان

درصد	فراوانی	نظر
۵۳/۵	۱۷۷	کم و یا هیچ
۲۸	۹۳	تا حدودی
۱۵/۵	۵۱	زیاد و خیلی زیاد
۳	۱۰	بدون جواب
۱۰۰	۳۳۱	

براساس یافته‌های این جدول حدود ۵۳ درصد خیلی کم حاضرند از این نظام در مقابل بیگانه دفاع کنند، در صورتی که ۴۴ درصد برعکس یا تا حدودی و یا با بذل جان خود حاضرند از آن در مقابل بیگانه دفاع کنند و حدود ۱۶ درصد از پاسخگویان را می‌توان مدافعان پروپاقرص نظام محسوب نمود.

در خصوص گویه بعدی که لذت بردن از کتب و نشریات سیاسی است ۶۴ نفر اعلام کرده‌اند (۱۹/۴ درصد) که از مطالعه این آثار بسیار لذت می‌برند، ۸۱ نفر (۲۴/۴ درصد) حالت متوسط را اعلام کرده‌اند. در صورتی که ۱۶۸ نفر (۵۰/۷ درصد) علاقه‌ای به مطالعه کتاب و نشریات سیاسی ندارند که نشان می‌دهد نیمی از مردم یا از طریق دیگر (صدا و سیما) نیازهای سیاسی خود را مرتفع می‌سازند و یا بی‌علاقه به مطالعه می‌باشند و یا ممکن است به علت بی‌سوادی و

یا کم‌سواد قادر به این کار نباشند. گویه ۱۸ که نشان از تمایل احساسی مردم به شرکت در راهپیمایی‌های روز خاص است ۱۹۴ نفر (۵۸/۶ درصد) یا به این سؤال پاسخ نداده (۴ درصد) و یا اعلام کرده‌اند در این راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کنند. در عوض ۱۲۸ نفر (۳۸/۷ درصد) اعلام داشته‌اند که در راهپیمایی‌های آن روزهای خاص شرکت می‌کنند. در جمع‌بندی نهایی از این سه سؤال به نظر می‌رسد که جواب‌های آن‌ها همدیگر را تأیید می‌کنند، به طوری که ۴۴ درصد به گویه شماره ۸ و ۱۲ جواب مشابه داده و برای گویه آخر این عدد حدود ۳۹ درصد می‌باشد.

۳- بعد داوری فرهنگ سیاسی

بعد سوم فرهنگ سیاسی مربوط به کسانی است که نسبت به شرایط سیاسی داوری و ارزیابی می‌نمایند که از گویه‌های شماره ۱ (مردم می‌توانند آزادانه نظرات خود را اعلام دارند)، گویه شماره ۴ (در فضای کنونی می‌توان عملکرد دولت را در عرصه سیاسی نقد کرد)، و گویه شماره ۱۵ (شرایط لازم فعالیت سیاسی در جامعه وجود ندارد) نتایج ذیل حاصل شده است.

جدول ۶. قضاوت درباره وضع موجود

وجود شرایط لازم برای فعالیت سیاسی		نقد عملکرد سیاسی دولت		اعلام آزاد نظرات در جامعه		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نظر
۱۱/۴	۳۶	۱۲/۲	۳۹	۲۱/۲	۷۰	کاملاً مخالف
۲۰/۹	۶۶	۱۸/۵	۵۹	۲۶/۱	۸۶	مخالف
۳۴/۲	۱۰۸	۲۷/۶	۸۸	۱۳/۹	۴۶	بی‌نظر
۲۱/۵	۶۸	۲۷/۹	۸۹	۲۱/۵	۷۱	موافق
۱۲	۳۸	۱۳/۶	۴۴	۱۷/۳	۵۷	کاملاً موافق
۴/۵	۱۵	۳/۶	۱۲	۰/۳	۱	بی‌جواب
۱۰۰	۳۳۱	۱۰۰	۳۳۱	۱۰۰	۳۳۱	جمع

داوری مردم نسبت به شرایط سیاسی همخوانی زیادی با بعد عاطفی و احساسی آن دارد، هرچند دیدگاه‌ها ممکن است تفاوت‌های معنی‌داری وجود داشته باشد که مراجعه پرسشنامه‌های باطل شده می‌تواند تأییدی بر پیچیدگی مردم در اظهارنظرهای سیاسی و حتی عدم ارائه جواب واقعی از سوی آن‌ها باشد.

ب) تیپ‌شناسی دیگر فرهنگ سیاسی آلموند و وربا

آلموند و وربا در این سنخ‌شناسی از فرهنگ سیاسی سه گروه یا تیپ را مورد شناسایی قرار داده‌اند. در فرهنگ سیاسی محدود، افراد محدوداندیش بوده و شناختی از فرایند سیاسی ندارند. در گروه دوم یا فرهنگ سیاسی تبعی، فرد فقط در جریان رو به پایین فرایند سیاسی دخیل است، و در فرهنگ سیاسی مشارکتی یا فعالانه فرد در مسیر دوسویه فرایند سیاسی مداخله و مشارکت می‌کند که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- محدود

تنها گزینه مستقلی که این بخش از فرهنگ سیاسی را می‌سنجید، گویه شماره ۲ (ورود در سیاست در مقایسه با سایر افراد زندگی بهتری دارند) همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، با استفاده از الفای کرونیباخ مشخص شد همبستگی آن با سایر گویه‌ها ضعیف است، لذا از دایره بررسی خارج شد ولی گویه‌های شماره ۳ (سیاست حرفه مهمی است برای جامعه و بایستی در آن دخالت کرد) (بی‌نظر و مخالف و کاملاً مخالف) و گویه شماره ۱۴ (جواب‌های موافق و کاملاً موافق و بی‌نظر) می‌تواند معیاری برای سنجش این بخش از فرهنگ سیاسی باشد. در گویه شماره ۳، ۴۲/۹ درصد پاسخگویان (۱۳۹ نفر) مخالف با دخالت در سیاست و یا بی‌نظر می‌باشند و در گویه شماره ۱۴، ۶۶/۲ درصد پاسخگویان (۲۱۹ نفر) اعتقاد دارند سیاست حرفه خطرناکی است و باید از آن دوری کرد.

باتوجه به نتایج این دو گویه، مشخص می‌شود که حدود ۵۵ درصد جامعه نمونه نقشی برای خود در عرصه فرایند سیاسی قائل نیست و یا عقیده به دخالت در سیاست ندارند که یا از آن می‌ترسند و یا زندگی سیاسی را اسیر هزینه می‌دانند.

۲- انقیادی یا تبعی

سنخ دوم از فرهنگ سیاسی بیرونی منفعلانه است که تحت این عنوان طبقه‌بندی شده است. با مراجعه به پرسشنامه گویه شماره ۵ (آیا در انتخابات ریاست جمهوری سال قبل شرکت کردید) و گویه شماره ۶ و ۷ که سؤال از شرکت آنان در انتخابات سال جاری دارد (مجلس خبرگان و شورای شهر و روستا) جواب‌های ذیل حاصل شده است.

جدول ۷. شرکت در انتخابات سال قبل و انتخابات سال جاری

خبرگان رهبری		شورای اسلامی شهروستا		ریاست جمهوری ۱۳۸۴		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	جواب
۵۴/۴	۱۷۰	۵۷/۷	۱۹۱	۷۱/۳	۲۳۶	بلی
۴۴/۴	۱۴۷	۳۹	۱۲۹	۲۴/۵	۸۱	خیر
۴/۲	۱۵	۱/۵	۵	۵	۳	بی جواب

مراجعه به جدول و نتایج انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد پاسخگویان در کتمان شرکت خود در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری کمی پیچیده عمل کرده و انتظار می‌رود حدود ۴۲ درصد از مردم در انتخاباتی آتی شرکت نکنند.

۳- مشارکتی یا فعال

گویه‌های شماره ۱۰ (شرکت در سخنرانی‌های سیاسی) و گویه شماره ۱۱ (شرکت در تجمعات) و گویه شماره ۱۳ (دنبال کردن حوادث سیاسی) و گویه شماره ۱۹ (شرکت در تبلیغات انتخاباتی به نفع کاندیدای مورد علاقه) دقیقاً و به صورت مستقیم مشارکت فعال سیاسی را می‌سنجد که نتایج آن در جدول شماره ۸ آورده شده است.

جدول ۸. مشارکت سیاسی فعال

شرکت در فعالیتهای انتخاباتی		پی‌گیری اخبار سیاسی		شرکت در تجمعات قانونی		شرکت در سخنرانی‌های سیاسی		
به نفع فرد مورد علاقه		سیاسی		قانونی		سیاسی		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نظر
۱۳/۳	۴۴	۳۳/۵	۱۰۱	۱۰	۳۳	۱۳/۹	۵۰	زیاد و خیلی زیاد

مراجعه به جدول نشان می‌دهد که به جز در مورد پی‌گیری اخبار سیاسی در بقیه موارد به طور متوسط حدود ۱۲ درصد از پاسخگویان دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی هستند. در جمع‌بندی این تیپ‌شناسی که همبستگی زیادی بین انواع آن وجود دارد، حدود ۱۲ درصد از سنخ فرهنگ سیاسی مشارکتی، حدود ۴۲ درصد از تیپ فرهنگ سیاسی تبعی و بقیه غیرسیاسی یا منفعل می‌باشند و یا به تعبیری دیگر اگر حدود ۵۷ درصد را منفعل و ۱۲ درصد را فعال در نظر بگیریم ۳۱ درصد باقیمانده فرهنگ سیاسی تبعی را به نمایش می‌گذارند. تفاوت در

جواب‌ها ممکن است ناشی از کتمان برخی حقایق سیاسی از ناحیه پاسخگویان باشد.

پ) فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا یا منازعه‌گرا

سنخ سومی از فرهنگ سیاسی که آلموند و وربا به آن اشاره می‌کنند، گرایشی است که ضمن پذیرش مشروعیت نظام سیاسی قائل به اصلاح آن است. در مقابل، در فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا، معتقدین بدان یا با مبانی مشروعیت نظام سیاسی ناسازگارند و یا در حوزه سیاست عمومی اتخاذ راه‌حل‌های نامشروع و غیرمسالمت‌آمیز را مرجح می‌شمارند. موافقت با گویه شماره ۱۵، موافقت با گویه شماره ۲۳ و مخالفت با گویه شماره ۲۴ نشان از تیپ فرهنگ سیاسی منازعه‌ای می‌باشد.

جدول ۹. قائلین به تیپ فرهنگ سیاسی منازعه‌ای

گویه شماره ۲۴		گویه شماره ۲۳		گویه شماره ۱۵		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نظر
		۲۲/۷	۷۵	۲۳	۱۰۶	موافقت
۹/۹	۳۲					مخالفت

مراجعه به جدول نشان می‌دهد که اگر مبنا را گویه شماره ۱۵ قرار دهیم کمتر از یک سوم پاسخگویان معتقد به فرهنگ سیاسی منازعه‌ای‌اند و در گویه بعدی این مقدار به حدود ۲۳ درصد کاهش می‌یابد و با مبنا قرار دادن گزینه ۲۴ فقط حدود ۱۰ درصد فرهنگ سیاسی منازعه‌ای را به نمایش می‌گذارند.

در صورتی که اگر عکس فرهنگ سیاسی منازعه‌ای، یعنی فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا، را در نظر بگیریم درصدهای باقیمانده تا حدی نشان از قائل بودن مردم به سیاست‌های اصلاحی و پیگیری شیوه‌های مشروع و مسالمت‌آمیز در حل و فصل مسائل مربوط به سیاست عمومی است. با توجه به اینکه هدف مقاله توصیف فرهنگ سیاسی مازندران می‌باشد از بررسی و آزمون معنی‌دار بودن متغیرهای سن، جنس، سواد، مجرد یا تأهل، میزان درآمد و شغل با سنخ‌های گوناگون فرهنگ سیاسی صرف‌نظر شده است. هرچند معنی‌دار بودن برخی از متغیرهای فوق به وسیله آزمون‌های متعدد آماری مناسب تأیید شده است.

نتیجه گیری

این مقاله با الهام از نظریه آلموند و پاول در مورد گونه‌شناسی فرهنگ‌های سیاسی و از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و انتخاب جامعه نمونه به تعداد ۳۳۱ نفر از سراسر استان مازندران به شناسایی تیپ فرهنگ سیاسی مردم استان پرداخت. در خصوص تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگ سیاسی به مشارکتی، تبعی و محدود یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی تبعی در مازندران بر دو نوع دیگر آن، یعنی مشارکتی و محدود، غلبه دارد. در تقسیم‌بندی دیگری از فرهنگ سیاسی که با توجه به دیدگاه‌ها و ایستارهای مردم در مورد مبانی مشروعیت نظام سیاسی و نیز گرایش آن‌ها به روش‌های مشروع و مسالمت‌آمیز یا ارجحیت روش‌های نامشروع و غیرقانونی، یافته‌ها حاکی است که فرهنگ سیاسی مردم مازندران گرایش بیشتری به فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا در برابر فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، اگر ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی، یعنی بعد شناختی، عاطفی و داوری، را مورد توجه قرار دهیم، یافته‌های تحقیق حاکی است که فرهنگ سیاسی جامعه مورد مطالعه در بعد شناختی از قوت چندانی برخوردار نبوده و برعکس جنبه عاطفی و داوری فرهنگ سیاسی مردم مازندران از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد. بدیهی است که نتایج این پژوهش میدانی الزامات سیاست‌گذارانه خاصی را ایجاد می‌نماید که سیاست‌گذاران را به لزوم اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تغییر فرهنگ سیاسی موجود به سمت فرهنگ سیاسی مطلوب دلالت می‌نماید.

منابع

- آلموند، گابریل، پاول، بینگهام جونیور (۱۳۸۱) *چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- احسانی، احمد (۱۳۷۸) *بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، به راهنمایی حمید احمدی، تهران: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵) *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- برمک، راضیه (۱۳۸۱) *موانع گفتگو و مدارا در فرهنگ سیاسی ایران معاصر*، به راهنمایی احمد موثقی، تهران: دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *آموزش دانش سیاسی مبانی علم سیاست نظری*، تهران: نگاه معاصر.
- پالمر، مونتی و اشترن، لاری، گایل، چارلز (۱۳۶۷) *نگرشی جدید به علم سیاست*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷) *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- خرمی، قاسم (۱۳۷۷) *توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران*، به راهنمایی علیرضا ازغندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس ارشد (منتشر نشده).
- دال، سیونگ‌یو (۱۳۷۶) *پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران*، به راهنمایی حسین بشیریه، تهران: دانشگاه تهران، مقطع دکتری (منتشر نشده).
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵) *مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما، نقد و نظر*، سال دوم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.
- رنی، آستین (۱۳۷۴) *حکومت، آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶) *مبانی عشره‌ای فرهنگ سیاسی-اجتماعی در ایران (طرح پژوهشی)*، مرکز پژوهش‌های بنیادین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (منتشر نشده)
- شریف، محمدرضا (۱۳۷۸) *تحول فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی*، به راهنمایی حجت‌الله ایوبی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، کارشناسی ارشد (منتشر نشده)
- علوی، پرویز (۱۳۷۵) *ارتباطات سیاسی (ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی)*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳) *قبله عالم، ژئوپلتیک ایران*، ترجمه عباس منبج، تهران: نشر مرکز.
- قیصری، نوراله (۱۳۷۴) *علل نفوذپذیری فرهنگ سیاسی ایران از غرب در دوران انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، به راهنمایی سیدحسین سیف‌زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، کارشناس ارشد (منتشر نشده).
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۶) *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: قومس.
- (۱۳۷۵) «ویژه‌نامه فرهنگ سیاسی»، *نقد و نظر*، شماره ۳ و ۴، کلیه صفحات.
- کجوری گشتیانی، یونس (۱۳۷۵) *فرهنگ سیاسی تشیع و سازوکار جامعه‌پذیری سیاسی آن*، به راهنمایی محمد غفوری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علوم اقتصادی و سیاسی، کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
- مشایخی، مهرداد و فارسون، سمیح (۱۳۷۹) *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، مترجم معصومه خالقی، تهران: انتشارات باز.
- ملکیان، مجید (۱۳۷۶) *فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران ۱۳۲۲-۱۳۵۷*، به راهنمایی کاووس سید امامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، کارشناس ارشد (منتشر نشده).

- میری، احمد (۱۳۷۴) *تأثیر ساختار سیاسی بر فرهنگ سیاسی مردم ایران تأکید...*، به راهنمایی علیرضا ازغندی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، کارشناس ارشد (منتشر نشده).
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هانتینگتون، ساموئل و واینز، مایرون (۱۳۷۹) *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هنری، لطیف‌پور (۱۳۷۷) *فرهنگ سیاسی شیعه و تأثیر آن بر رفتار سیاسی مردم ایران از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۳*، به راهنمایی سیدرحیم ابوالحسنی، تهران: دانشگاه تهران، کارشناس ارشد (منتشر نشده).
- Almond, Gabriel and Powell, G. Bingham, (1966), *Comparative Politics: A Developmental Approach*, Boston: Little, Brown and Co.
- Almond, Gabriel and Verba, Sidney (1963), *The Civic Culture: Political Attitude and Democracy in Five Nations*, Princeton: Princeton University Press.
- Ball, Allen (1971), *Modern Politics and Government*, London: Macmillan.
- Pye, Lucian, and Verba, Sidney (1965), *Political Culture and Political Development*, Princeton: Princeton University Press.
- Robertson, David (1993), *A Dictionary of Modern Politics*, Europa Publications.